همانا من می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی، نه زیان می‌رسانی و نه سود، و اگر ندیده بودم که پیامبر صلی الله علیه و سلم تو را می‌بوسند، تو را نمی‌بوسیدم

از عمر رضی الله عنه روایت است که: «ایشان به نزد حجرالاسود آمدند و آن را بوسیدند، سپس فرمودند: «همانا من می‌دانم که تو سنگی بیش نیستی، نه زیان می‌رسانی و نه سود، و اگر ندیده بودم که پیامبر صلی الله علیه و سلم تو را می‌بوسند، تو را نمی‌بوسیدم».

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه به نزد حجرالاسود در گوشهٔ کعبه آمدند و آن را بوسیدند، سپس فرمودند: همانا من می‌دانم که تو سنگی هستی، نه زیان می‌رسانی و نه سود، و اگر ندیده بودم که پیامبر صلی الله علیه و سلم تو را می‌بوسند، تو را نمی‌بوسیدم.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3024